

بررسی ارتباط اراده الهی با اراده انسان در مقدرات

نازنین زلفی

چکیده

تحقیق پیرامون اراده و اختیار انسانها در دو جنبه ی نظری و عملی زندگی بشر همواره امری مهم و سرنوشت ساز بوده است و اراده به عنوان مبدا فعل دارای اهمیت و صاحب نظران و متکلمان در مورد بدیهی بودن اراده انسان اتفاق نظر دارند اما در مورد ماهیت و کیفیت تحقق آن نظرات مختلفی ارایه شده است اما تا کنون به یک نظر تام و کامل در این مورد دست نیافته اند. مقاله پیش رو با اثبات اراده انسان و بیان حقیقت وجودی آن به بررسی رابطه ی اراده با اختیار انسان پرداخته است و به بررسی تفاوت اراده انسان با اراده الهی می پردازد و اثبات میکند بین اراده انسان و خدا تفاوت وجود دارد. زیرا انسان ها در اراده خود دارای هدف و انگیزه بیرونی هستند. اما خداوند منزّه است و انگیزه و هدفی غیر از ذات خود در افعالش ندارد و همچنین بیان می شود که اختیاری نبودن بخش هایی از زندگی یک واقعیت مهم است و لزوم توجه به اصل مقدرات در زندگی انسان از آن جهت است که ما همیشه متوجه باشیم که بخش هایی از زندگی خارج از اختیار انسان است و توسط خداوند تعیین می شود.

واژگان کلیدی: اراده الهی، اختیار انسان، جبر، ذات الهی، مشیت.

مقدمه

بحث فلسفی-کلامی درباره قدرت خداوند و اراده و اختیار انسان در عالم اسلام از همان ده های میانی قرن اول هجری قمری مطرح شد و در میان قائلین به خدا، قدرت یا سلطه و اختیار انسان موضوع جدی بوده است.

مسئله ی اراده الهی و نسبتش با افعال انسان از موضوعاتی بوده است که در شکل گیری نحله های کلامی اولیه نقش مهمی داشته است این موضوع در کلام و فلسفه و حتی علم اصول فقه به مناسبتی مطرح شده است.

با ظهور اسلام و نزول قرآن و طرح آیاتی از کلام الهی که دلالت بر قدرت مطلقه و اراده و مشیت شامله خدا داشت و نیز طرح آیاتی که هرکس را مسئول اعمال خویش می دانست این سؤال را در افکار مسلمانان مطرح ساخت که آیا سرنوشت انسان از پیش تعیین شده است و انسان دخالتی در آن ندارد. و اراده مطلقه خداوند بر همه ی اعمال بشر سایه افکنده است و مشیت تغییرناپذیر الهی طبق برنامه از پیش تعیین شده در لوح تقدیر باید اجرا گردد یا اینکه انسان مسئول و درگرو اعمال خویش است و سرنوشتش با اختیار و اراده خودش رقم زده خواهد شد و خداوند او را در انتخاب راه هدایت یا کفر، آزادی انتخاب داده است.

باور به اختیارمندی انسان و حاکمیت قضا و قدر بر زندگی انسان متعارض یا متناقض به نظر میرسد برای رفع این تعارض بررسی اراده الهی به عنوان اراده کننده ی حقیقی و فاعل اصلی افعال و اینکه علت تام پدیده ها خداست همچنین بررسی حوزه اختیار انسان که آیا در انجام اعمال خود آزادی و اراده دارد ضروری به نظر میرسد و تبیین این موضوع که چه ارتباطی بین اراده الهی و اراده انسان در تعیین مقدرات او وجود دارد امری مهم است .

در این مقاله برآن شدیم تا ضمن تبیین معنای اراده و مشیت الهی و ارتباط آن با اراده انسان به اثبات این موضوع پرداخته شده است که اراده انسان با اراده الهی تفاوت دارد و در پایان نتایج حاصله را ارائه می نماییم .

۱- مفهوم و حقیقت اراده

۱-۱- لغت شناسی اراده

اراده واژه عربی است که از لفظ "رود" گرفته است.^۱

برخی اربابان لغت اراده را به طلب و اختیار معنا کرده اند.^۲

برخی اراده را با مشیت مرادف دانسته اند.^۳

دهخدا نیز معادل اراده در زبان فارسی را خواستن، خواسته، میل و قصد کردن دانسته است.^۴

۱-۲- وجود شناسی اراده

در اینکه انسان موجودی دارای اراده است، بیشتر متکلمان و فلاسفه بر این باور هستند که اراده انسان امری فطری بدیهی و بی نیاز به اثبات است زیرا هرکس آن را در درون خویش با علم حضوری می یابد بنابراین هر انسانی در میابد در درون او کشش های به سوی برخی امور وجود دارد و او را به انجام کاری سوق می دهد و موجب تحقق آن فعل در خارج میشود و گاهی نمی خواهد فعل را انجام دهد و آن را انجام نمیدهد به عنوان مثال هرکس با کمی توجه در درون خود می یابد که می تواند سخن بگوید یا نگوید، حرکت کند یا حرکت نکند این حالتی که در او به وجود می آید اراده نام دارد.

شیخ طوسی نیز اعتقاد به وجود اراده در انسان را امری وجدانی و فطری می داند و در این باره می نویسد:

"هر گاه انگیزه ای ما را به انجام دادن یک کار از چند کار وادار کند و همه آن کارها در رساندن ما به مقصد مساوی باشند، مانند برداشتن یک سکه از چند سکه که از هر جهت مساوی است، هنگامی که یکی از آنها را انجام می دهیم، خود را دارای صفتی میابیم که پیش از انجام دادن آن کار چنین حالتی را نداشتیم پس هر کس که داشتن این صفت را انکار می کند سخن گفتن با او در این باب روا نیست زیرا این قصه انکار شدنی نیست."^۵

با بررسی متون فلسفی و کلامی در میابیم که به اعتقاد بسیاری از متکلمان و فلاسفه وجود اراده در انسان

^۱ جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة، ج ۱، ص ۴۷۸

^۲ فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱۰، ص ۷۲۶

^۳ جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة، ص ۴۷۸

^۴ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۱۶ و ۵

^۵ طوسی، محمد بن حسن، تمهید الاصول طوسی، ص ۱۰۴

امری بدیهی و بی نیاز از اثبات است. روشن ترین امور ، اموری هستند که انسان با رجوع به وجدانش آن را می یابد و نیازمند واسطه نمی باشد و این آگاهی حضوری است نه حصولی .

۱-۳- ماهیت اراده انسان

به همان اندازه که تصدیق به وجود اراده در انسان امری بدیهی و وجدانی است شناخت معنا و حقیقت اراده امری پیچیده و مشکل است به همین دلیل با وجود وحدت نظر متفکران در وجود اراده انسان اما در بیان ماهیت کلی آن اختلاف نظر وجود دارد.

همانطور که صدر المتألهین شیرازی به این حقیقت اعتراف کرده و می گوید:

" با اینکه اراده نزد عقل واضح و روشن است و با امور دیگر مشتبه نمی شود اما تعبیری که بتوان تمام حقیقت آن را در بر بگیرد ممکن نیست و کار دشواری می باشد ."^۱

۲- تفاوت اراده انسان با اراده الهی

به طور کلی از آنجا که خداوند موجودی ازلی و ابدی است مستقل بالذات است و وجود او قابل مقایسه با موجودات دیگر نمی باشد و دیگر موجودات همگی نیازمند و وابسته به او هستند ، صفات او نیز قابل قیاس با صفات دیگر موجودات از جمله انسان نیست .

اراده حق تعالی منزله از تغییر و زوال است و اراده ما انسانها متغییر و حادث و رود گذر است زیرا اراده از مراتب وجود است و وجود حقیقی ثابت میبا شد که در واجب ، واجب به ذات و در ممکن ، ممکن به ذات می باشد از این رو اراده نیز مانند علم و قدرت و دیگر صفات کمالی در حق تعالی و دیگر موجودات امکانی تفاوتی به بلندی مرتبه واجب تا ممکن دارد .

اراده و خواست انسان ها ناقص و محدود است . وقتی چیزی را اراده می کنند باید چیزی غیر از اراده متوسل شوند و تا وقتی آن وسایل و اسباب مهیا نباشد . کاری از پیش نمی برد و این در حالی است که در مورد اراده خداوند چنین امری صادق نیست .

زیرا اراده او محیط بر همه چیز است و همه چیز وابسته به اراده اوست . اسباب و موانع نیز مولود اراده و مشیت اوست و هر چیز هر طور که او بخواهد به همان صورت محقق خواهد شد بر خلاف اراده در انسان که بسیاری از امور را اراده می کند اما خواست او محقق نمی شود .

^۱ صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمه المتعالیه فی الاسفار اربعه، ج ۴، ص ۱۱۳

علامه طباطبایی در این باره فرموده اند:

«ما انسانها وقتی چیزی را اراده می کنیم ابتدا آن را تصور میکنیم و به واسطه آن علم تصویری، قوای اراده ما به حرکت در می آید و سپس قوه ی محرکه ای که در عضلات انسان است، اعصابش را به حرکت در می آورد و سپس قوه ی محرکه ای که در عضلات انسان است اعصابش را به حرکت در می آورد. در نتیجه مراد حاصل می شود لذا مبادی ارادی در انسان متعدد است و اما ذات حق تعالی از کثرت وانگیزه ی خارجی وانفعال پذیری و ابتهاج خارجی مبرا می باشد.»^۱

تفاوت دیگری که بین اراده انسان با خداوند وجود دارد و این است که انسانها در اراده خود دارای انگیزه و هدف بیرونی هستند اما ذات حق تعالی از اینکه انگیزه و هدفی غیر از ذات خود در افعالش داشته باشد منزّه است چنانچه حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند: "خداوند اراده کننده ای است که اراده او همراه با قصد نیست"^۲

اراده در انسان کیف نفسانی است و خداوند منزّه از کیف نفسانی می باشد بلکه اراده او عین وجود واجب اوست.

علامه طباطبایی در توضیح این مطلب یادآور می شود:

"اراده ای که در انسان است یک کیف نفسانی خاص و مغایر با علم و شوق است، در ذات واجب راه ندارد چرا که اراده به صورت کیف نفسانی خاص و مغایر با علم و شوق است. در ذات واجب راه ندارد و یک ماهیت است و واجب تعالی از ماهیت و امکان منزّه و مبرا می باشد."^۳

اراده در انسان به عنوان یک صفت با دیگر صفات او هم تغایر مفهومی دارد و هم تغایر مصداقی، اما اراده الهی با دیگر صفات کمالی حق تعالی گر چه تغایر مفهومی دارند اما در مصداق یکی و عین ذات حق تعالی است

علامه حسن زاده آملی در این باره می فرمایند:

"حیات و قدرت و علم و اختیار و اراده و مشیت و نظایر آن هریک به حسب مفهوم غیر از دیگری است ولی به حسب وجود در عقول مفارقه، به خصوص در حقیقه الحقایق یکی اند. یعنی یک ذات محض و بسیط صرف است که آن مفاهیم از وی مستفادند و انفکاک بعضی از این معانی از بعضی در حق انسان با اتحاد آنها در حق

^۱ طباطبایی، سید محمد حسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، ص ۲۹۹ و ۲۳۰

^۲ نهج البلاغه خطبه ۱۷۹

^۳ طباطبایی، سید محمد حسین، نهجیه الحکمه، ص ۲۱۳

۴-۱- محدوده اختیار انسان

خلقت اولیه انسان در اختیار او نیست و بسیاری از ساحت خلقت مادی اش هم از اختیار او بیرون است مانند پدر و مادرو...

اما در محدوده ی دنیا و براساس اصل حاکم علت و معلولی، دارای اختیاراتی است و تکلیف نیز براساس و به اندازه محدوده اختیار است

۴-۱-۱- مسئولیت انسان در نوع انتخاب

ذات انسان بافطرت حق طلبی، خداجویی و کمال خواهی آفریده شده است و او میتواند برخلاف مسیر خلقت خود گام بردارد اما رو به جلو رفتن برای او، رو به فطرت رفتن است و استعداد واقعی او در همین مسیر است و او را به کمال مقصود رهنمون می کند. اما پشت به مسیر خلقت و نظرت گام نهادن، او را به کمال مقصود نمی رساند و شخصیت دیگری غیر از شخصیت مورد نظر خلقت او می آفریند لذا هرانسانی بافطرت آفریده می شود و البته باسوسه های شیطانی نیز روبهرو می شود ولی قدرت انتخاب بدی و خوبی را دارد بنابراین به اندازه همین اختیار مسئول است.

۴-۲- اراده انسان در طول اراده خدا

جمله ی "لا جبر ولا تفویض بل امر بین الامرین" مضمون احادیث متعددی است که افعال اختیاری انسان را به درستی تبیین می کند

جبر یعنی اینکه انسان در افعال خویش مجبور باشد و از خود اختیاری نداشته باشد و به عبارت دیگر افعال بندگان، مستند به خداوند متعال باشد

اختیار نیز به معنای توانایی انجام یا عدم انجام کاری است که در پیش روی ماست و از لوتزم قدرت است.

نظرشیهه این است که نه جبر، امکان تحلیل دقیق افعال انسانی را دارد و نه تفویض بلکه تحلیل دقیق راهی میان جبر و اختیار است. به عبارت دیگر اراده و قدرت و اختیار آدمی در طول اراده خداوند است بنابراین افعال اختیاری انسان از یک جهت به خود انسان منسوب می شود و از جهت دیگر به خدا انتساب دارند.

۴-۳- نقش تقدیرات در مسئله اختیار انسان

در اینکه انسان مختار است شکی نیست، شک در مختار بودن انسان شک در بدیهی ترین یافته های انسان

است چرا که انسان مختار بودن خود را نه از راه استدلال بلکه با علم حضوری و وجدانی ادراک می کند که خطا در آن راه ندارد.

انسان همانگونه که وجود خود، شادی خود، غم خود، عقل داشتن خود را با یافتنی درونی می یابد مختار بودن خود را هم به همین گونه میابد. از طرف دیگر مختار بودن انسان جزء فضا و قدر الهی است یعنی خداوند اراده کرده است که انسان مختار باشد و کارهای واقع در محدوده ی اراده اش را با اختیار انجام دهد، و اراده ی خداوند حتما تحقق می یابد. پس محال است افعال ارادی انسان بدون اختیار خود او تحقق یابد.

۴-۴- علم خداوند و مسئله اختیار انسان

خداوند متعال خالق مطلق و عالم به همه چیز بوده است و علم پیشین به همه ی موجودات دارد لذا او می داند فلان شخص در فلان زمان فلان کار را با اختیار خود انجام خواهد داد یعنی خداوند به فعل ارادی انسان با وصف اختیاری بودن آن علم دارد نه بدون آن وصف. خداوند خالق فعل انسان است به این معنا که خداوند به فعل انسان وجود می دهد، اما مجرای افاضه ی وجود به فعل ارادی انسان وجود خود انسان است که اختیار عین آن است. لذا فعل ارادی او در عین اینکه مخلوق خداست به اختیار خود او هم هست. خدا به همه ی موجودات افاضه ی وجود میکند مثل نور خورشید که به همه ی اشیا به یک صورت می تابد

اما این فیض وجود در هر موجودی به تناسب ساختار وجودی آن موجود ظاهر می شود.

این مسئله که در نظام هستی ذره ای تغییر و تحول بدون اذن و مشیت الهی انجام نمی شود جای تردید نیست ولی این مطلب به معنای جبر و نفی اختیار نیست زیرا اراده و علم الهی به افعال انسان با تمام خصوصیات آن تعلق میگیرد مثلاً خداوند می داند که انسان با بهره گیری از اختیار خود، اعمال خاصی را انجام می دهد بدیهی است که در این صورت هرگز چیزی به وجود نمی آید^۱

و از اینرو در تحلیل این مسئله گفته می شود: آیاتی در قرآن است و یا روایاتی نقل شده که برخی تصور می کنند که به معنای جبر است، ولی حقیقت آن است که آن گونه آموزه ها هرگز در صدد بیان جبر نیست و با اختیار هیچ منافاتی ندارد

مثلاً آموزه های ناظر بر اراده، اذن، قضا و قدر الهی، در مورد انسان به معنای نفی اختیار نیست اراده خدا و انسان در عرض هم نیستند بلکه در طول هم قرار دارند

کارما با اراده خود ما رابطه علت و معلولی دارد ما باید اراده کنیم تا کاری انجام گیرد. تا اراده نکنیم، کار

^۱ سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۳۲۹

تحقق نمی یابد اما همین علت و معلول نیز مبادی دیگر همه متعلق اراده الهی است، علت قریب و مباشر این کار، اراده انسان است پس اراده الهی در طول اراده انسان است.^۱

به عبارت روشنتر در مورد افعال انسان سه عنصر وجود دارد

۱- اراده خدا

۲- اراده انسان

۳- فعل انسان

^۱ مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۳۸۱

نتیجه گیری

با توجه به مباحث گفته شده نتایج زیر بدست می آید :

خلقت اولیه انسان در اختیار او نیست و بسیاری از خصلت های مادی اش هم از اختیار او بیرون است.

ذات انسان با فطرت حق طلبی ، و کمال خواهی آفریده شده است اما انسان با وجود وسوسه های شیطانی قدرت انتخاب بدی و یا خوبی را دارد .

جمله لاجبر و لاتفویض بل امر بین امرین مضمون بسیاری از احادیث قرار دارد که افعال اختیاری انسان را به درستی توضیح می دهد به عبارت روشنتر اراده و قدرت و اختیار آدمی در طول اراده خداست

بنابراین در عین اینکه خداوند خالق مطلق بوده و آفریننده همه چیز و از جمله فعل اختیاری انسان است و همچنین علم پیشین به همه ی امور دارد ولی باز انسانها مجبور نیستند بلکه برعکس به خاطر خالق و عالم مطلق بودن خدا چاره ای جز مختار بودن ندارد پس آینده ی هرکس در عین اینکه از پیش تعیین شده است و به دست خداست اما با اختیار خود او ساخته می شود

به طور کلی بین اراده ی الهی و اراده انسان تفاوتی به بلندای مرتبه ی واجب تا ممکن است اراده انسانها ناقص و محدود است اما اراده الهی منزله از تغییر و زوال است.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

۱. نهج البلاغه
۲. جعفری، محمدتقی، جبر و اختیار، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۰.
۳. جوهری، اسماعیل حماد، تاج اللغة، ج ۱، بیروت، دارالتراث العربیه، ۱۴۱۶.
۴. حسن زاده، حسن، خیرالاثر در رد جبر و قدر، قم، بوستان قم، ۱۳۹۴.
۵. خمینی، سید روح الله موسوی، طلب اراده، ترجمه و شرح سیداحمد فهری، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۲.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۷. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیه فی السفر اربعه، ج ۴، بیروت، دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۹۸۱ م.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، تهران، صدرا، ۱۳۸۰.
۹. طوسی، محمد بن حسن، تمهید الاصول، ترجمه عبدالحسین مشکوٰه الدین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱۰، قم، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۹.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم محمدباقر کهمره ای، ج ۱، تهران، دفتر مطالعات تاریخی، ۱۳۷۴.
۱۲. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۱.
۱۳. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، ۱۳۹۵.